

نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه

محمدباقر مکرمی پورا، جعفربرزگر^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

چکیده:

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه انجام گردید که با رویکرد توصیفی-تحلیلی چالش‌های موجود در دیپلماسی آب ایران و ترکیه بررسی و شناسایی شد. فرضیه پژوهش این است که به رغم مطرح‌شدن دیپلماسی آب در حل اختلافات موجود بر سر حوضه‌های آبریز مشترک بین ایران و ترکیه، اما به دلیل عدم وجود عنصر اعتماد، همکاری نکردن دو کشور و مشارکت پایین بازیگران دولتی و غیردولتی بین دو کشور موفقیت‌آمیز نبوده است، هرچند فرایند دیپلماسی آب موجب گردیده است تا از منازعات شدید سیاسی در روابط دو کشور در منطقه جلوگیری گردد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد دیپلماسی آب به عنوان یک ابزار سیاست خارجی، موجب مشارکت سیاسی بیشتر در مدیریت تعاونی آب‌های مشترک می‌گردد، ابزارهای لازم را برای رفع تعارضات آب مشترک فراهم می‌آورد و نقاط کانونی جدیدی را برای دیپلماسی آب ارائه می‌دهد، اما بررسی روابط ایران و ترکیه در خصوص آب‌های مشترک نشان داد که دیپلماسی آب نتوانسته است در حل اختلافات موجود موفقیت‌آمیز باشد. پروژه گاپ و تأثیراتی که این پروژه بر تالاب هورالعظیم و مخاطرات زیست‌محیطی که به ویژه در غرب کشور ایران ایجاد نموده است نشان از عدم موفقیت نقش دیپلماسی آب در روابط دو کشور است.

کلید واژه: دیپلماسی آب، ایران، ترکیه، گاپ

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی/مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

bagher.mokarami@ut.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. jahfarbarzegar@ut.ac.ir

مقدمه

جنگ آب یک موضوع جدید نیست، همیشه وجود داشته است و سال‌ها به عنوان یک خطر جدی در غرب آسیا به آن توجه شده است. این احتمال وجود دارد که جنگ‌های آبی در این منطقه بر سر آب باشد. اما زمینه‌های جنگ بر سر موضوع آب، می‌تواند به همکاری در این زمینه منجر شود و به همان دلیل، آب در سیاست خارجی اهمیت زیادی پیدا کرده است (عراقچی، ۱۳۹۶: خبرگزاری مجلس شورای اسلامی). جمعیت کل کره زمین در طی ۱۰۰ سال گذشته چهار برابر شده است، با این وجود استفاده جهانی از آب طی سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۰ تقریباً هشت برابر گردیده است (Wada, Et, al, 2016: 176-177). این اثرات در حال حاضر در بسیاری از حوضه‌های مهم مرزی از جمله کلرادو، دریاچه چاد، دجله و فرات مشاهده می‌شود. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ (۲۰۱۲) پیش‌بینی کرده است که تا سال ۲۰۵۰ میزان مصرف آب در جهان ۵۵ درصد افزایش یابد که ناشی از افزایش ۴۰۰ درصدی تقاضا برای تولید، افزایش ۱۴۰ درصدی برداشت برای تولید برق و افزایش ۱۳۰ درصدی نیازهای داخلی است. طبق این پیش‌بینی‌ها حوزه‌هایی از جمله همه آسیای مرکزی و جنوبی، غرب آسیا، آفریقای شمالی و قسمتی از چین با مشکل شدید تنش آبی روبه‌رو خواهند شد. کمبود آب در سطح جهانی و منطقه‌ای، تمایلات سیاسی و اقتصادی خاصی را در مناسبات بین‌المللی شکل داده و کانون‌های بحرانی را برای آینده آماده نموده است. حدود ۴۰٪ جمعیت جهان در مناطقی زندگی می‌کنند که حوزه‌های آبریز آن‌ها مشترک است. یکی از عوامل تشدید تضادهای بین‌المللی، بیش از ۲۵۰ رودخانه مرزی و مشترکی است که بین ۱۴۵ کشور جهان به وجود آمده است. با افزایش جمعیت این کشورها و نیاز بیشتر به آب، طبیعتاً درگیری‌ها و برخوردهای بین کشورهای هم‌جوار و ذی‌نفع بر سر آب‌های مشترک هم شدت بیشتری یافته است (برشان و دهقانی‌دشتاب، ۱۳۹۷: ۲). از جمله این مناطق، غرب آسیا است که بیشتر کشورهای نیمه‌خشک یا خشک در آن هستند و منابع آب محدودی دارد (Haddadin, 2002: 205-206).

^۱ OECD

پروژه در حال حاضر جنوب شرقی آناتولی در ترکیه باهدف افزایش رونق منطقه‌ای با بهینه‌سازی استفاده از این آب‌ها برای آبیاری و نیروگاه‌های آبی انجام گردیده است. از ابتدای دهه ۱۹۹۰، برنامه‌های آبیاری و زیرساخت‌های مدیریت آب در محدوده گاپ باعث تغییر چشمگیر کاربری و پوشش اراضی^۱ در این منطقه نیمه‌خشک شده است (Yilmaz et al, 2019: 596). الگوی رفتاری ترکیه در بهره‌برداری از حوضه آبریز دجله و فرات مبتنی بر نگرش هیدروهمزومنی و سیاست‌های رئالیستی، منجر به تغییر رژیم هیدروپلیتیک این حوضه شده و با پدیدار شدن جریان داعش، کشورهای عراق و سوریه به‌نوعی به عنوان بازیگران درجه دوم دیپلماسی آب در منطقه مطرح شده‌اند و کردهای عراق و گروه داعش به دلیل شرایط سیاسی و جغرافیایی، ظاهراً به عنوان بازیگران مهم و نوظهور این حوضه آبریز می‌توانند قدرت‌نمایی کرده و نقش نیابتی به نفع ترکیه در مقابل کشورهای پایین دست ایفا نمایند. لذا این نحوه سیاست‌گذاری ترکیه در حوضه آبریز دجله و فرات ساختارهای سیاسی و اجتماعی را که به‌نوعی با عراق و سوریه و منطقه کردستان عراق و همچنین ایران اشتراک داشته و آمیخته است، به خطر انداخته است (نقیبی، ۱۳۹۴: سایت دیپلماسی ایرانی).

با توجه به اهمیت مدیریت منابع آب و نقش آب در روابط بین کشورها، در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌برداری از روش کتابخانه‌ای به بررسی نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه پرداخته شده است. در شرایط کنونی آب به ابزار بالفعل سیاست خارجی ترکیه و به عنوان یکی از عوامل اصلی ژئوپلیتیک و راهبردی در غرب آسیا تبدیل شده و ایران هم به لحاظ امنیتی و زیست‌محیطی از این عملکرد انحصارطلبانه متأثر است. بر این اساس مسئله پژوهش عبارت است از این‌که دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه چه نقشی ایفا نموده است؟ فرضیه پژوهش به این صورت مطرح می‌گردد که با وجود اهمیت نقش دیپلماسی آب، اما به دلیل عدم وجود عنصر اعتماد، عدم وجود همکاری و مشارکت پایین بازیگران دولتی و غیردولتی، در روابط ایران و ترکیه

^۱ LULC

موفقیت‌آمیز نبوده است، هرچند موجب گردیده است تا از منازعات شدید سیاسی در روابط ایران و ترکیه در منطقه جلوگیری گردد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

الف: اهمیت

۱-پرداختن به این موضوع برخی از خلأهای موجود در ادبیات بررسی نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه را حل و فصل می‌نماید.

۲-انجام این پژوهش می‌تواند در شناخت نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه مؤثر باشد.

۳-انجام این پژوهش می‌تواند پژوهشگران و مسئولان را با نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه آشنا نماید.

ب: ضرورت

۱-نپرداختن به این موضوع موجب تداوم خلأ موجود در بررسی نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه کشور خواهد بود.

۲-انجام نشدن این تحقیق منجر به عدم شناخت نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه مؤثر می‌شود.

۳-در صورت انجام نشدن این تحقیق منجر به عدم شناخت پژوهشگران و مسئولان از این نگاه که نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه به چه نحو بوده است نیز می‌شود.

روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش پیش روی با توجه به ماهیت موضوع برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی مقایسه‌ای استفاده شده است که در این روش به طبقه‌بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود تا از این طریق، فرضیه پژوهش آزموده شود. از نظر ماهیت این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است.

پیشینه پژوهش

درباره نقش دیپلماسی آب در روابط بین ایران و ترکیه، پژوهشی که ارتباط مستقیمی داشته باشد، مشاهده نگردید و بیشتر آثار موجود در این حوزه به توصیف وضعیت موجود و چالش‌های زیست‌محیطی در برخی کشورها تمرکز کرده‌اند. با این وجود، پژوهش‌های محدودی به صورت غیرمستقیم به این موضوع پرداخته‌اند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

پاپلی‌یزدی و وثوقی (۱۳۹۷: ۲۲۴-۱)، در کتابی با عنوان **نگاهی به دیپلماسی آب ایران؛ هیدروژئوپلیتیک** در قالب دو بخش به مباحث نظری در خصوص قوانین مرتبط با آب در توافق‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی و نیز استراتژی پیشنهادی دیپلماسی آب شیرین، رودخانه‌های مرزی ایران، رودخانه‌های غیرمرزی ایران، منابع آبی در دسترس ایران و دیپلماسی آب در ارتباط با موضوعات مختلفی چون رودخانه‌های قابل کشتی‌رانی در مناطق پرجمعیت، انتقال آب رودخانه‌های قابل کشتی‌رانی به سایر مناطق پرداخته است. تحقیق دیگر در این زمینه کتاب **دیپلماسی آب‌های فرامرزی و نظام بین‌المللی: درس‌هایی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران** است که توسط عراقچی (۱۳۹۷: ۱۵۲-۱) نگاشته شده است. نویسنده تلاش کرده است که با پاسخگویی به سؤالات در زمینه آب‌های فرامرزی، نگرش‌ها و راهکارهای جدیدی را فرا روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که دارای آب‌های فرامرزی با همسایگان خود است، قرار دهد. خوش‌سیما و محجوبی (۱۳۹۸: ۱۶-۱)، در تحقیقی تحت عنوان «دیپلماسی آب» به این نتیجه رسیدند که اگر ما بتوانیم تغییرات مفهومی مربوط به آب و مدیریت دولتی در مرزهای آبی را درک کنیم، در نتیجه آب

می‌تواند برای گرد هم آوردن کشورهای دارای منابع آب مشترک و تبدیل تنش‌های منطقه به مشارکت برای توسعه باشد و دیپلماسی آب می‌تواند برای حل مناقشات و برای توسعه پروژه‌های یکپارچه منطقه‌ای سودمند در حوزه‌های مشترک تبدیل شود.

در تحقیقات خارجی (Hommes, et al, 2016: 9-20)، در مطالعه‌ای در مورد سرزمین‌های هیدرو سیالی مورد بحث و حکمرانی بر سر آب: اختلافات و ادعاهای رقابتی بر سر توسعه سد ایلی-سو در جنوب شرقی ترکیه به بحث در مورد سد ایلی‌سو پرداختند. این مقاله سد ایلی‌سو را به صورت پیکربندی شده از نظر جسمی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی به صورت نمادین و گفتمان به تصویر کشیده است. (Molnar et al, 2017: 1-20)، در پژوهش خود یک نمای کلی درباره چگونگی تعریف دیپلماسی آب و همکاری در آب توسط بازیگران مختلف ارائه می‌دهند. آن‌ها متذکر می‌شوند که تعریف پذیرفته جهانی از درباره دیپلماسی آب وجود ندارد و این اصطلاح غالباً به‌طور متقابل با همکاری آب استفاده می‌شود. (Khavarian-Garmsir, et al, 2019: 1-33)، در پژوهشی به بررسی تغییر اقلیم و تخریب محیط‌زیست و محرک‌های مهاجرت در زمینه کوچک شدن شهرها: مطالعه موردی استان خوزستان پرداخته‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که تغییرات اقلیمی و تخریب محیط‌زیست تأثیر قابل‌توجهی بر مهاجرت خارج از کشور دارد و با رسیدن به آستانه ریسک، مردم به‌طور فزاینده‌ای ترغیب می‌شوند که شهرهای خود را ترک کنند. ضمن این‌که نتایج این پژوهش به تأثیر تغییرات محیطی بر تشدید رکود اقتصادی، بیکاری، خشونت و اختلال در زیرساخت‌های شهری انجامیده است. نتایج این پژوهش از آن جهت که اقدامات ترکیه در سدسازی و پروژه‌های توسعه در این کشور موجب ریزش ریز گردها به ویژه در مناطق جنوبی و غربی ایران گردیده است، پراهمیت تلقی می‌گردد. در همین راستا پژوهش حاضر درصدد پر کردن این خلأ پژوهشی برآمده و با انتخاب دو کشور مهم منطقه غرب آسیا، ایران و ترکیه به بررسی چگونگی مدیریت زیست‌محیطی و نقش دیپلماسی آب در روابط این دو پرداخته است.

چارچوب نظری: هیدروپلیتیک (دیپلماسی آبی)

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه است. در این راستا، چارچوب نظری پژوهش بر اساس دیپلماسی آب شکل گرفته است. اهمیت چارچوب نظری اینجاست که متغیرهای مهم را در وضعیتی که مرتبط با مسئله پژوهش است شناسایی و مشخص می‌کند و پیوند این متغیرها را به‌گونه‌ای منطقی ارائه می‌دهد. چالش‌های استفاده از منابع آبی مشترک، بسیار پیچیده بوده و یافتن سازوکاری معقول، به منظور بهره‌برداری عادلانه و پایدار از این منابع، امر دشواری است. در حل بحران‌های آبی، نگاه ملی و تدوین سیاست‌های کلان ضروری است، اما با توجه به نقش استراتژیک و حیاتی آب و توزیع نامتوازن آن در مناطق مختلف جهان و نیز مشترک بودن بسیاری از حوضه‌ها و منابع آبی بین کشورها، ضرورت استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی نیز گریزناپذیر است (مه‌ریزی، ۱۳۹۶: موسسه مطالعات راهبردی اسلام معاصر). به‌طور سنتی، دیپلماسی به عنوان تعامل سطح بالا و گفتگو بین کشورها و ملت‌ها تعریف می‌شود، در شرایط کنونی، سطوح مختلف دیگری را نیز شامل می‌شود (Barua, 2018: 65). محققان و سیاست‌گذاران از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد به سمت نظریه‌های زیست‌محیطی ناظر بر رفتارهای سیاسی روی آوردند. با افزایش آگاهی نسبت به اهمیت آب و همچنین رشد خودآگاهی در خصوص اهمیت محیط‌زیست در کشورهای پیشرفته شمال، دانش علمی جدیدی ظهور نموده است که «دیپلماسی آب» و علمی به نام «هیدروپالیتکس» نامیده می‌شود. هیدروپلیتیک را می‌توان دانش مطالعه وجوه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آب تعریف کرد که هدف آن ارتقاء ثبات سیاسی جوامع، امنیت منطقه‌ای، توسعه اقتصادی و توسعه پایدار زیست‌محیطی است (Kehl, 2011: 1). الهانس^۳ (۱۹۹۷: ۲۱۶-۲۳۲)، هیدروپلیتیک را مطالعه نظام‌یافته منازعات و همکاری‌های میان دولت‌ها در خصوص منابع بین‌المللی آب تعریف نموده است. در ادبیات جاری هیدروپلیتیک گرایش‌های مختلفی در حوزه آب وجود دارند که از جمله این گرایش‌ها، منازعه و همکاری است. در این گرایش، محور منازعه و

¹ Water Diplomacy

² Hydropaletics

³ Elhance

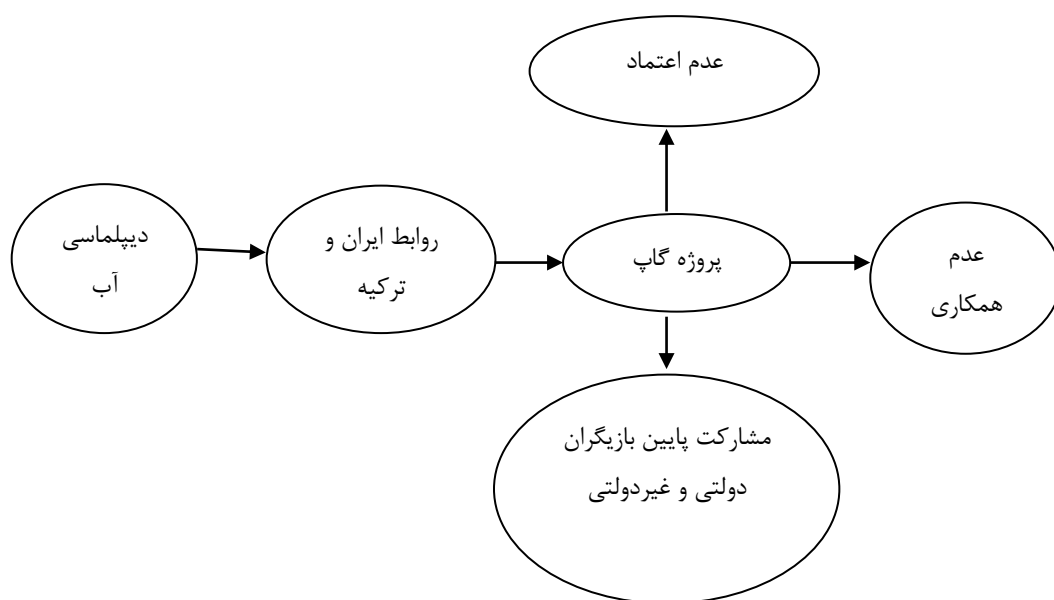
همکاری بر سر آب، در چارچوب دولت و روابط میان دولت‌ها متمرکز است (عراقچی، ۱۳۹۳: ۹۷). هیدروپلیتیک از جمله زیرمجموعه‌های علم جغرافیای سیاسی است که به بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی با مقیاس‌های مختلف می‌پردازد. نوع برهمکنش میان ملت‌ها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک، طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در برمی‌گیرد. با توجه به مصرف فزاینده آب در آینده و افزایش مصرف کشورهای فرادست رود در بهره‌برداری از این منابع، شاهد فزونی مشاجرات هیدروپلیتیک میان ملت‌ها هستیم (کاویانی‌مراد، ۱۳۸۴: ۳۳۸-۳۳۹). چرا دیپلماسی آب؟ دیپلماسی چه ارتباطی با آب دارد؟ آیا همکاری در مورد آب‌های سطحی و زیرزمینی فرامرزی دامنه انحصاری دیپلمات‌ها و کارشناسان سیاست خارجی است؟ یا عمدتاً تصدیق متخصصین آب در مورد مذاکره درباره منابع آب مشترک است؟ این سؤالات در قلب مباحث و گفتگوهای پیرامون نظریه دیپلماسی آب قرار دارد (Klimes et al, 2019: 1362).

ایجاد فضایی برای مشارکت بخش گسترده‌ای از ذینفعان در پروسه‌های دیپلماسی آب مزایای بی‌شماری برای فرایند دیپلماسی ایجاد می‌کند. از آنجاکه اعتماد یکی از مؤلفه‌های مهم دیپلماسی آب است، بازیگران غیردولتی نقش مهمی در کمک به بهبود گفتگو بین کشورهای درگیر در حوزه آب با روشن شدن سوء تفاهم‌ها و ابهام ابهامات خواهند داشت (Susskind & Islam, 2012: 3). در سطح ملی، مشارکت بالاتر هر دو ذی‌نفع دولتی و غیردولتی در فرایندهای دیپلماسی آب باعث افزایش همکاری سیاسی و همچنین به اشتراک‌گذاری داده و اطلاعات می‌شود (Namara and Giordano, 2017: 20). بازیگران درگیر در دیپلماسی آب می‌توانند گروه‌های مختلفی از بازیگران ایالتی و غیردولتی را تشکیل دهند. بازیگران رسمی عمدتاً شامل وزارت امور خارجه و سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی هستند. بازیگران غیررسمی و غیردولتی نیز به عنوان نمایندگان تشکیلات مدنی، دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها و رسانه‌ها نقش مهمی در گفتگوهای دیپلماسی آب دارند و همچنین می‌توانند در تقویت فرصت‌ها برای برقراری روابط و مشارکت در دانش مشترک درباره آب مشترک نقش داشته باشند (Klimes et al, 2019: 1367). دیپلماسی آب می‌تواند صلح را از

طریق همکاری‌های بین دولتی تسهیل کند و تمرکز را روی منابع طبیعی مورد مناقشه کاهش دهد (Salmoral et al, 2019: 86). امروز آب به عنوان یک موضوع ژئوپلیتیکی تجلی پیدا کرده و بر روابط کشورها تأثیر می‌گذارد. با توجه به موضوع پژوهش، از جمله مناطق با ریسک بالای تنش آبی، کل منطقه غرب آسیا از جمله حوزه بین‌النهرین (دجله و فرات) است که با شروع پروژه‌های سدسازی توسط ترکیه تحت عنوان گاپ محل اختلاف کشورهای مجاور این حوزه شده است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹). ضمن این‌که از طریق تالاب هورالعظیم خسارات و مخاطرات زیست‌محیطی برای غرب ایران را نیز فراهم نموده است.

اهمیت دیپلماسی آب در سیاست خارجی ایران در قبال همسایگانش با توجه به مرزهای طولانی ایران با همسایگانش و مشترک بودن در حوضه‌های آبریزی همچون دجله و فرات با عراق و ترکیه، آشکار می‌گردد (دهشیری و حکمت آرا، ۱۳۹۷: ۵۹۹-۶۰۰). فرضیه پژوهش بیان می‌کند که استفاده از دیپلماسی آب در حل اختلافات موجود بر سر حوضه‌های آبریز مشترک بین ایران و ترکیه به دلیل عدم وجود اعتماد، نبود همکاری و مشارکت پایین بازیگران دولتی و غیردولتی بین دو کشور موفقیت‌آمیز نبوده است، با این وجود فرایند دیپلماسی آب موجب گردیده است تا از منازعات شدید سیاسی در روابط ایران و ترکیه جلوگیری گردد. بنابراین یکی از ابزارهای مهم دیپلماسی آب تسهیل گفتگو و یافتن راه‌های ابتکاری برای ایجاد اعتماد و تقویت همکاری بین ذی‌نفعان است. علاوه بر بازیگران دولتی، بازیگران غیردولتی و فرایندهای زیر حوضه نیز، نقش مهمی در دیپلماسی آب دارند. همواره یکی از کارکردهای دیپلماسی، تأمین امنیت و منافع کشورها در بعد بین‌المللی بوده است و کشورهای یکی که از منافع مشترک آبی برخوردارند، با کمک دیپلماسی آب، منابع آبی خود را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کنند که از نظر سیاسی، پایداری و ثبات منطقه‌ای در بالاترین حد ممکن تأمین شود. غفلت از ظرفیت‌های دیپلماسی، زمینه بروز منازعات شدید سیاسی و حتی نظامی را برای بهره‌برداری از منابع مشترک آبی بین کشورها بالا می‌برد و خطر کمبود آب، صلح جهانی را با تهدید جدی مواجه خواهد کرد (مهریزی، ۱۳۹۶: موسسه مطالعات راهبردی اسلام معاصر). با بررسی پروژه گاپ و تأثیراتی که این پروژه بر وضعیت محیط‌زیست ایران گذاشته است، می‌توان در قالب دیپلماسی آب،

فرضیه پژوهش را این‌گونه تبیین نمود که هرچند در خصوص آب‌های مشترک، مذاکرات و همکاری‌هایی بین ایران و ترکیه صورت گرفته است، اما به دلیل عدم مشارکت مؤثر بازیگران دولتی و غیردولتی، عدم وجود اعتماد بین دو کشور و منازعات سیاسی که دو کشور در منطقه غرب آسیا دارند، دیپلماسی آب موفقیت‌آمیز نبوده است و نمونه این عدم موفقیت را در انجام پروژه عظیم گاپ و مخاطرات زیست‌محیطی که ایجاد نموده است می‌توان مشاهده نمود که به ویژه غرب کشور را با خشک‌سالی و بروز ریز گردهای مواجهه نموده است.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

اهمیت مسئله آب

موضوع آب در حوضه‌های مشترک بین کشورها، هم موجب ناآرامی و هم موجب وحدت شده است. با وجود پیچیدگی قضیه آب، آب‌های بین‌المللی در حوضه‌هایی که نسبتاً از نهادها و گروه‌های کاری مشترک و معتبر برخوردار بوده‌اند به صورت یک عامل اتحاد و همکاری بین کشورها در آمده

است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که منازعات بین‌المللی آب حتی بین کشورهای متخاصم قابل حل و فصل است. برخی از کشورهای متخاصم وقتی در مورد همکاری آب مذاکره نموده و به توافق رسیده‌اند با ایجاد نهادهای مشترک همکاری، دشمنی آن‌ها نیز به صلح منجر گردیده است. آسیا بیشتر از دیگر قاره‌ها می‌تواند در معرض تنش‌ها و رقابت‌ها در برداشت آب شیرین قرار گیرد، زیرا افزایش تقاضای آب و آلودگی آب در این قاره بیشتر اتفاق می‌افتد. چراکه کشورهای مختلف با توسعه متفاوت، نیازهای متفاوتی به آب دارند (پاپلی‌یزدی و وثوقی، ۱۳۹۷: ۲۲-۲۳). از منظر نظام بین‌المللی، ایران در منطقه‌ای قرار گرفته که مقوله آب در کنار مسئله انرژی اهمیت فوق‌العاده ویژه‌ای دارد. آب منبع حیاتی برای زندگی و در بعضی از مناطق جهان عاملی محدودکننده برای توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌گردد. کمبود آب و وضعیت خشک‌سالی، فشار بر استفاده از منابع آبی و محیط‌زیست را افزایش داده است. به علاوه اختلاف‌هایی را بین استفاده‌کنندگان آب و حتی کشورهای رقیب در استفاده از منابع آبی سبب شده است (Gleick et al, 2009)؛ به نقل از بیات و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۶). آب زیرزمینی یک منبع مهم آبی است که به‌طور گسترده برای فعالیت‌های کشاورز، خانگی و صنعتی در جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. افزایش جمعیت، استفاده نامناسب از آب‌های زیرزمینی در کشاورزی و باران‌های نامنظم به دلیل تغییرات آب و هوایی، همگی تأثیر منفی بر پتانسیل آب‌های زیرزمینی دارند (Çelik, 2015: 134).

در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، منابع آب کمیاب هستند و رقابت بالایی بین بخش‌ها و کاربران وجود دارد. طی دهه‌های گذشته، به دلیل پیش‌بینی رشد جمعیت، توسعه اقتصادی، شهرنشینی و تغییرات آب و هوایی، در آینده میزان دسترسی و کیفیت منابع آب رو به کاهش است و این پدیده‌ها در آینده روبه زوال می‌روند. علاوه بر این، بی‌ثباتی سیاسی مزمن منطقه اغلب باعث اختلاف نظر می‌شود که موجب می‌گردد تا منابع آب در معرض خطر باشد و به تبع آن باعث ایجاد شرایط اضطراری عدم دسترسی به آب و وخیم‌تر شدن بحران آوارگان در این منطقه گردد (Mazzoni & Zaccagni, 2019: 806). رشد رقابت بر سر منابع آب موجب اختلافات سیاسی بین ذی‌نفعان شده و حل اختلافات را در کانون‌های مذاکره قرار داده است (Mianabadi, 2014: 152-153).

آب می‌تواند منشأ جنگ‌های بین‌المللی و منطقه‌ای آینده باشد. اهمیت یافتن آب، زمینه بروز اختلافات را نیز پیش آورده است. آب یک عامل اجتماعی بسیار مهم در سطح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی است. ضمن این‌که سرمنشأ بسیاری از رفتارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ساختارهای مربوط به استفاده از آب است (پاپلی‌یزدی و وثوقی، ۱۳۹۷: ۱۱-۱۲).

پروژه گاپ ترکیه

همان‌طور که اشاره گردید سدسازی‌های گسترده تحت عنوان گاپ موجبات تنش‌ها و مخاطراتی بین این کشور و کشورهای حوضه آبریز مشترک شده است. دولت ترکیه از دهه ۱۹۸۰ پروژه آناتولی جنوب شرقی (با مخفف گاپ) را در راستای ذخیره، هدایت و مدیریت منابع آبی دجله و فرات در آن محدودده آغاز کرده است. این طرح شامل ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق آبی است که در نتیجه حدود ۲ میلیون هکتار زمین زراعی زیر کشت رفته و سالیانه ۲۷۰۰۰ مگاوات برق تولید می‌شود که تقریباً ۲۲ درصد پتانسیل برق آبی ترکیه است. پروژه گاپ هنوز به اتمام نرسیده و تخمین سال اتمام پروژه مذکور سال ۲۰۲۳ است (عصاری، ۱۳۹۷: ۱۰). سد آتاتورک بر رود فرات با ظرفیت حدود ۵۰ میلیارد مترمکعب و سد ایلی‌سو بر رود دجله با ظرفیتی سه برابر سد کرخه از بزرگ‌ترین سدهای این پروژه محسوب می‌شوند. در قالب همین پروژه در سال ۱۹۹۲ سد آتاتورک با حجم مخزن ۳۰ میلیارد مترمکعب ساخته شد. سد آتاتورک در مرز جنوب شرقی خاک ترکیه، امروزه بزرگ‌ترین سد غرب آسیا و نهمین سد بزرگ دنیا شناخته‌شده و از پتانسیل حبس تمامی آب فرات در پشت مخازن خود برخوردار است (توحیدی و کیخسروی، ۱۳۹۸: ۳۹۲). ترک‌ها در موقع افتتاح سد آتاتورک، برای قدرت‌نمایی و کارهای تبلیغاتی در زمینه سدسازی، آب را به مدت یک ماه قطع کردند که موجب تنش‌های سیاسی بین سوریه و ترکیه گردید (پاپلی‌یزدی و وثوقی، ۱۳۹۷: ۶۱).

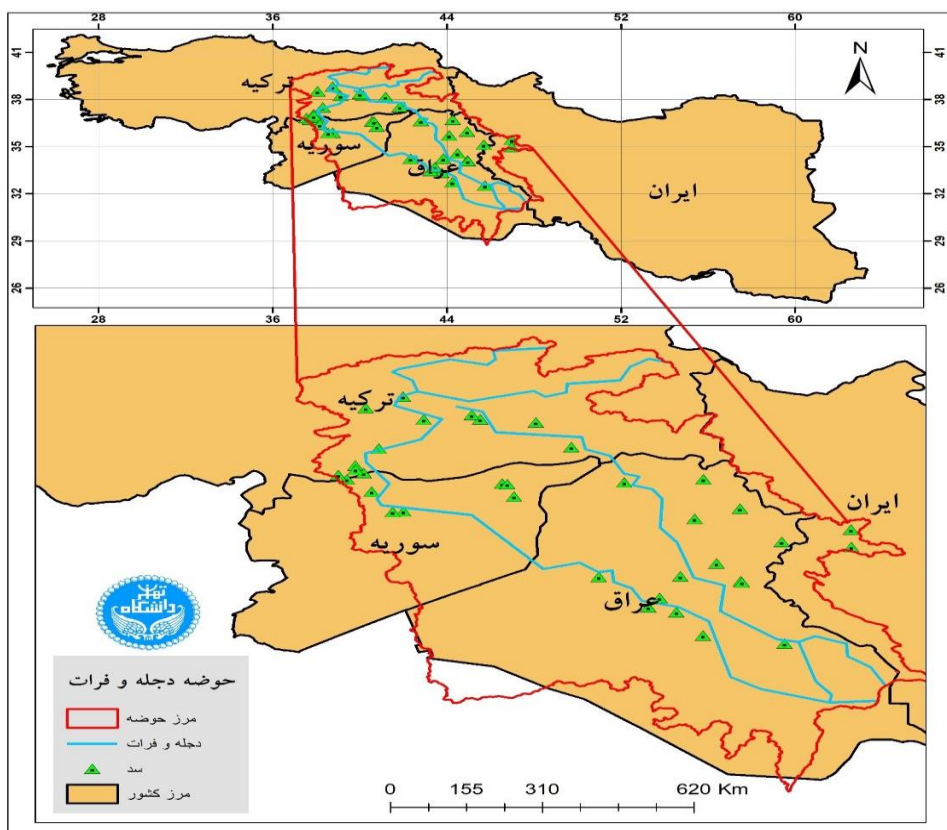
رودهای دجله و فرات به طول ۴۵۲ و ۹۵۳ کیلومتر از کوه‌های ترکیه سرچشمه می‌گیرند (اسکندریان، ۱۳۸۴: ۲۲). دره‌های دجله و فرات در منطقه بین‌النهرین یکی از پراهمیت‌ترین مناطق جهان هستند که یکی از اساسی‌ترین عامل درگیری و جنگ بین دول منطقه محسوب می‌شود. ترکیه

نیز قصد دارد از این موقعیت نهایت بهره را داشته باشد و سعی دارد از منافع دولت‌ها و مردم منطقه در جهت منافع اقتصادی و سیاسی خود استفاده کند (پیری‌سازمانلو، ۱۳۹۷: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح). دو رود بزرگ و تاریخی دجله و فرات که در سال‌های نه‌چندان دور شریان حیاتی توسعه و تداوم حیات در کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و جنوب غرب ایران بودند، امروزه تحت تأثیر توسعه لجام‌گسیخته‌ای که در کشور ترکیه تحت عنوان پروژه «گاپ» دنبال می‌شود، حجم قابل توجهی از منابع آب خود را از دست داده‌اند تا زندگی میلیون‌ها انسان و محیط‌زیست منطقه با چالشی جدی روبه‌رو شود. در سال‌های اخیر، رودخانه دجله به علت پروژه‌های توسعه‌ای و سدسازی‌های صورت گرفته توسط ترکیه و عراق تحت تأثیر قرار گرفته و به شدت کاهش یافته است. از طرفی دیگر، کیفیت آب رودخانه دجله نیز به دلیل نرخ بالای تبخیر و توسعه بیش از ظرفیت اکولوژیکی در منطقه در حال شور شدن است. صرف‌نظر از توافق‌نامه‌های کلی تاریخی در خصوص دو رود دجله و فرات، تاکنون موضوع کاهش کیفیت و کمیت منابع آب رودخانه دجله مورد توجه کشورهای منطقه نبوده است (مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، ۱۳۹۷: ۹۴). رودخانه دجله دومین رودخانه بزرگ در جنوب غرب آسیا محسوب می‌شود که حوضه آبریز آن با چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه مشترک است. بخش اعظم آب ورودی این رودخانه از کوه‌های جنوب شرق ترکیه و رشته‌کوه‌های زاگرس در ایران سرچشمه می‌گیرد. در گذشته مجموع جریان آب رودخانه دجله در نقطه مرزی ترکیه، سوریه و عراق ۲۱ میلیارد مترمکعب بوده است. حوضه آبریز دجله با مسافتی بالغ بر ۲۲۱۰۰۰ کیلومتر مربع بین ۴ کشور ترکیه (۲۵ درصد)، سوریه (۰/۰۰۴ درصد)، عراق (۵۶ درصد) و ایران (۱۹ درصد) مشترک است. با وجود مشترک بودن حوضه‌های آبریز دجله و فرات، ترکیه با انجام پروژه عظیم گاپ، موجبات تنش‌ها و مخاطراتی را برای کشورهای ایران، عراق و سوریه فراهم نموده است که روابط این کشورها را تحت تأثیر قرار داده است و دیپلماسی آب نتوانسته است به ویژه در روابط ایران و ترکیه نقش فعالی داشته باشد، چراکه پروژه گاپ با وجود مخاطراتی که داشته است، همچنان در حال ساخت و در حال مراحل پایانی خود است و عدم همکاری‌ها و نبود مذاکرات بین این دو کشور نشان از ضعف دیپلماسی آب بوده است.

حوضه آبریز دجله	کیلومتر مربع به درصد
عراق	۵۶
ترکیه	۲۵
ایران	۱۹
سوریه	۰/۰۰۴

جدول ۱: مساحت حوضه آبریز دجله واقع در کشورهای مختلف بر حسب کیلومتر مربع و درصد، منبع: مرکز

پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، ۱۳۹۰



شکل ۲: موقعیت حوضه آبریز دجله و فرات و سدهای ساخته‌شده در کل حوضه

منبع: درویشی بلورانی (۱۳۹۷)

سال تکمیل	نام سد	رود
۱۹۸۷	کاراکایا	فرات
۱۹۸۸	هانگ‌گ‌رز	
۱۹۹۲	آ‌تاتورک	
۱۹۹۸	کام‌گازی	
۱۹۹۹	کارکامیس	
۲۰۰۰	بیرسیک	
۲۰۱۳	سیرمتاس	
۱۹۹۸	کرالکیزی	دجله
۱۹۹۹	دیس‌ل	
۲۰۰۳	بتمن	
۲۰۱۲	گ‌ارزان	
۲۰۱۸	ایلی‌سو	

جدول ۲: سدهای تکمیل شده بر دجله و فرات

منبع: کیانی، ۱۳۹۷

سد ایلی‌سو یکی از بزرگ‌ترین سدهای طرح گ‌اپ، بر روی رود دجله در کشور ترکیه ساخته شده است. جز ۱۵ سازه بزرگ دنیا و نمونه‌ای از ساخت مهندسی است. سدی که بر ورودی حوضه رودخانه دجله در ۴ کشور ترکیه، سوریه، عراق و ایران زده شده است و رگ‌های حیات تمدن بین‌النهرین را مسدود کرده است، سدی که پس از آبگیری، مستقیماً بر ۱۵ استان کشور عراق از جمله موصل و بغداد به صورت مستقیم تأثیر می‌گذارد. سد ایلی‌سو با گنجایش ۴۳ میلیارد مترمکعب و

ظرفیتی معادل ۳ برابر بزرگ‌ترین سد ایران یعنی کرخه در حال بهره‌برداری است (پیری‌سازمانلو، ۱۳۹۷: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح).

کشورهای حوضه	ایران، عراق، ترکیه و سوریه
مساحت کشورها در حوضه	عراق (۵۶)، ترکیه (۲۴/۵)، ایران (۱۹) و سوریه (۰/۵)
مساحت حوضه	۲۲۱ هزار کیلومتر مربع
طول رودخانه	۱۸۰۰ کیلومتر
حجم جریان متوسط سالانه در مرز ترکیه و عراق	۲۱ میلیارد مترمکعب
سدهای مهم	۱۴ سد یا دریاچه با حداکثر ظرفیت ذخیره حدود ۱۲۸ میلیارد مترمکعب
مساحت اراضی تحت آبیاری در حوضه	۴/۷ میلیون هکتار
مساحت اراضی تحت آبیاری در خارج از حوضه	۱۵۰ هزار هکتار
جمعیت حوضه	۲۳/۴ میلیون نفر

جدول ۳: مشخصات کلی حوضه رودخانه دجله

منبع: گزارش سازمان ملل (۲۰۱۳)

تأثیر سدسازی ترکیه بر محیط‌زیست ایران

تأثیرات تنش آب با عناصر متنوعی مانند عدم تقارن‌های قدرت منطقه‌ای، حاکمیت ناکارآمد، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی برای ایجاد ترکیب‌های احتمالی از شرایطی که ممکن است

اختلافات را کاتالیزور کند، تعامل دارد (Petersen-Perlman et al, 2018: 18). فشار بر منابع مشترک ممکن است معضلات امنیت آب را تحریک کند. اقدامات انجام شده توسط یک کشور برای حمایت از امنیت آب آن، به عنوان مثال ساخت سد برای افزایش ظرفیت ذخیره آب، ممکن است امنیت دیگران را در تأمین منابع آبی در دسترس آن‌ها با اختلال روبه‌رو سازد و تضعیف کند (Munia, et al, 2016: 11). الگوی رفتاری ترکیه در بهره‌برداری از حوضه آبریز دجله- فرات مبتنی بر نگرش هیدروهمومونی و سیاست‌های رئالیستی، منجر به تغییر رژیم هیدروپلیتیک این حوضه شده و با پدیدار شدن جریان داعش، کشورهای عراق و سوریه به نوعی به عنوان بازیگران درجه دوم دیپلماسی آب در منطقه مطرح شده‌اند و کردهای عراق و گروه داعش به دلیل شرایط سیاسی و جغرافیایی، ظاهراً به عنوان بازیگران مهم و نوظهور این حوضه آبریز می‌توانند قدرت‌نمایی کرده و نقش نیابتی به نفع ترکیه (در جهت کاهش فشارهای سیاسی-آبی) در مقابل کشورهای پایین دست ایفا نمایند (نورانی، ۱۳۹۶: اندیشکده راهبردی تبیین). دولت ترکیه با کنترل و قبضه کردن آب رودخانه دجله و ممانعت از جاری شدن این رود به سوی عراق موجب بروز بحران آب در این کشور و کشورهای منطقه شده است. طرح‌های احداث سد، میراث تمدن هزارساله شهرهای کُردی و آثار به‌جامانده از تاریخ کهن این ملت را زیر آب مدفون و مردم عراق را از داشتن این مایه حیات محروم می‌کند (پیری‌سازمانلو، ۱۳۹۷: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح).

بحران‌های منطقه‌ای ناشی از سیاست‌های بحران‌زای توسعه منابع آب در ترکیه در طول سال‌های اخیر چنان عرصه را بر ایرانیان تنگ کرد که منجر به نامه‌نگاری حدود ۲۰۰۰ شخصیت حقیقی و حقوقی اعم از استادان دانشگاه‌ها و متخصصان و دغدغه‌مندان و تشکل‌های غیردولتی محیط زیستی ایران به سازمان ملل شد که در این نامه‌ها، سدسازی‌های گسترده ترکیه و بستن آب دجله و فرات تحت عنوان طرح گاپ، یکی از مهم‌ترین عامل‌های خشک‌سالی، ریزگردها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی اعلام شد (میرسنجری، ۱۳۹۶: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح). تأثیر سدسازی ترکیه و ارتباط آن با پدیده گرد و غبار در ایران موجب شکنندگی اکوسیستم ایران شده است، زیرا بخش اعظم ایران از مناطق خشک و نیمه‌خشک تشکیل می‌شود، یکی از ویژگی‌های این مناطق خشک و

نیمه خشک اکوسیستم‌های بسیار شکننده آن‌هاست زیرا این مناطق دارای کمبود آب هستند، درواقع، فشارهای ناشی از سدسازی ترکیه، این شکنندگی را بیشتر می‌کند. درست است که عاملی همانند تغییر اقلیم و گرم شدن کره زمین در این میان بی‌تأثیر نیست، اما درواقع نقش عوامل انسانی در ایجاد گرد و غبار و بیابان‌زایی بسیار مهم‌تر است. درواقع، تأثیرات سدسازی و برداشت بی‌رویه از آب‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا این عوامل موجب افزایش گرد و غبار و بیابان‌زایی می‌گردد (خدایانه، ۱۳۹۸: سایت ناظر اقتصاد).

تأثیر مهم ایجاد این سدها در حوزه سیاسی و اقتصادی آن است که در کنار افزایش زمین‌های کشاورزی و ایجاد اشتغال در شهرها و روستاهای محروم که رضایتمندی عمومی را بهبود می‌بخشد، از سوی دیگر با تولید انرژی برق از منابع آبی، نیاز ترکیه به خرید نفت را به میزان قابل‌توجهی کاهش خواهد داد. در نتیجه ترکیه میزان واردات نفت خود را به میزان قابل‌توجهی کاهش خواهد داد. کاهش وابستگی ترکیه به خرید نفت از فروشندگان عمده‌اش یعنی ایران، عراق و عربستان، سیاست خارجی آن را در موضع قوی‌تری قرار می‌دهد. تأثیری که این طرح می‌تواند در حوزه آسیای غربی بگذارد این مسئله است که خشکی و کم‌آبی مفرط در حوضه دجله در بازه زمانی میان‌مدت به تولید شدید ریزگردها در محدوده شرقی عراق در مرز ایران منجر می‌شود و نه تنها خوزستان، بلکه دیگر استان‌های مرزی غرب ایران را نیز گرفتار پدیده ریزگردها خواهد کرد. مسئله‌ای که آسیب‌های زیست‌محیطی و نارضایتی عمومی را در مناطق محروم ایران تشدید می‌نماید. بنابراین باید گفت که آثار منفی احداث پروژه گاپ علاوه بر دولت‌های سوریه و عراق، متوجه دولت ایران هم هست. ۵۶ درصد آب دجله از ترکیه وارد می‌شود و در صورت تکمیل پروژه گاپ، تغییرات زیادی در محیط‌زیست ایران ایجاد می‌شود که آسیب‌های شدیدی به همراه خواهد داشت. درواقع با تکمیل این پروژه، تالاب‌های بین‌النهرین عراق که آبشان از دجله سرچشمه می‌گیرد، سریعاً خشک می‌شوند. بدین ترتیب با خشک شدن تالاب‌های مرکزی عراق و سوریه، تالاب هورالعظیم در خوزستان، بزرگ‌ترین کانون بحرانی ریزگرد در منطقه خواهد شد و ۲۵ استان غربی و مرکزی ایران با معضل

ریزگردها روبه‌رو خواهند شد (ستاری، ۱۳۹۶: ۵). هم‌چنین اجرای پروژه گاپ، این جسارت را به دولت افغانستان می‌دهد که با قدرت بیشتری مانع بهره‌برداری ایران از سرچشمه‌های هیرمند و هریرود گردد و به استناد تلاش ترکیه برای مهار آب‌های داخلی، از یک عرف مشترک در حوزه منابع فراملی سخن براند که در نهایت، بحران‌های معیشتی و اجتماعی استان‌های شرقی ایران به خصوص محدوده حساس سیستان و بلوچستان را افزایش دهد (کیانی، ۱۳۹۷: ۱۰-۱۵). نکته جالب‌توجه این است که پروژه گاپ چنان به محیط‌زیست آسیب می‌رساند که محافل زیست‌محیطی در داخل ترکیه نیز اعتراض کردند، چراکه این پروژه در داخل خاک ترکیه منجر به زیر آب رفتن و محو برخی آثار باستانی و کوچ اجباری برخی اقوام شده است (توحیدی و کیخسروی، ۱۳۹۸: ۳۹۳).

نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه

تاریخ دیپلماسی نشان می‌دهد هنگامی که پتانسیل اختلاف و منازعات مرزی به ویژه در مورد آب‌های مشترک زیاد باشد، آمادگی گفتگو و همکاری‌های مشترک در حل منازعات مرزی بسیار مؤثر است. مدیریت و برنامه‌ریزی منابع آب به دلیل شبکه‌های طبیعی، اجتماعی و سیاسی متصل به آب و منافع گروه‌های مختلف رقیب به‌طور فزاینده‌ای پیچیده شده است (Hossain, 2013: 38) و این مسئله وقتی که آب توسط دو یا چند کشور مستقل مشترک است، اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند، زیرا پتانسیل انگیزه برای همکاری در هر کشور بسیار متفاوت است (Barua, 2018: 63-64). به دلیل اتکای جامعه جهانی به آب‌های فرامرزی، پیامدهای توسعه پایدار و ماهیت سیاسی آب‌های مشترک، تشویق همکاری‌های فرامرزی و دیپلماسی بر روی آب‌های مشترک یک مؤلفه مهم اما پیچیده در دستور کار توسعه بین‌المللی است. نقش دیپلماسی آب در چارچوب آب‌های بین‌المللی تقویت همکاری‌های مرزی بین آب‌های مشترک بین کشورها است (McCracken & Meyer, 2018: 1-2). مرزهای سیاسی لایه‌ای از پیچیدگی را به وجود می‌آورد و وقتی دولت‌ها آب‌های بین‌المللی خود را توسعه می‌دهند، این پیچیدگی را تجربه می‌کنند که برای جلوگیری از تأثیرات منفی بر ملت یا منابع مشترک، دیپلماسی و همکاری لازم است (Mitchell & Zawahri, 2015: 187-188). همکاری‌های مرزی فرصت‌هایی را برای کشورهای درگیر برای شناسایی منافع مشترک و توسعه اقدامات در جهت

منافع متقابل فراهم می‌کند. این مزایا می‌تواند به‌طور مستقیم با منابع مرتبط باشد، اما می‌تواند فراتر از آن نیز گسترش یابد (Sadoff & Grey, 2002: 389-390).

در سطح فرامرزی، دیپلماسی آب اغلب برای جلوگیری از تشدید درگیری و بهبود همکاری مورد استفاده قرار می‌گیرد (Huntjens and de Man, 2017: 3). این امر به برقراری ارتباط در سطوح مختلف و بین احزاب مختلف (نمایندگان دولت‌ها، جامعه مدنی، دانشگاه‌ها و غیره)، در ایجاد ارتباطات و ایجاد اعتماد کمک می‌کند. این ممکن است شامل مذاکرات رسمی یا غیررسمی بین هیئت‌های دیپلماتیک سطح بالا یا توسعه روابط در سطح مردمی باشد. این فرایند پویا به دنبال ایجاد راه‌کارهای معقول، پایدار و مسالمت‌آمیز برای تخصیص و مدیریت آب و درعین‌حال ترویج یا تأثیرگذاری بر همکاری منطقه‌ای است (Huntjens, et al, 2015: 33). با دید دیپلماسی کلاسیک، ایران نمی‌توانسته است ادعایی برای ورود به مذاکرات در زمینه سیاست‌های اعمال‌شده در زمینه سدسازی در خاک ترکیه، سوریه و عراق داشته باشد. اما امروز تبعات گسترده زیست‌محیطی کنترل دجله و فرات توسط ترکیه به سوریه و عراق با بروز گرد و غبارهای مختل‌کننده در منطقه، لزوم ورود دیپلماسی ایران لااقل از دید زیست‌محیطی را در این زمینه نشان می‌دهد. عدم توجه ایران به فعالیت‌های سدسازی از دهه ۱۳۵۰، در کشورهای حوضه دجله و فرات نتیجه‌ای زبان‌بار از دید محیط‌زیست، اقتصاد، اشتغال، بهداشت، سلامت و رفاه بر مردم ایران به خصوص غرب ایران داشته است. پس باید با مسئله دجله و فرات با دیپلماسی دیگری غیر از دیپلماسی کلاسیک برخورد کرد. دجله و فرات و اصولاً رودهای حوضه بین‌النهرین دیپلماسی باز و گسترده را می‌طلبد. باید دنبال تکمیل قراردادهای چندملیتی موجود و ایجاد ساختار بین‌المللی مناسب و کنوانسیون‌ها و قراردادهای جدید بود. در حال حاضر عواقب زیست‌محیطی ساماندهی فرات و دجله منافع ملی ما را به خطر انداخته است (پاپلی‌یزدی و وثوقی، ۱۳۹۷: ۶۴-۶۵).

ایران و ترکیه در دو حوضه آبریز کورا-ارس و فرات-دجله باهم مشترک هستند. رودخانه ارس به عنوان مهم‌ترین رودخانه مشترک بین ایران و ترکیه، از ترکیه سرچشمه می‌گیرد، ولی تاکنون اختلاف

خاصی بر سر این رودخانه مشترک بین این دو کشور پیش نیامده است؛ مشکل اصلی ایران با ترکیه در زمینه سدهایی است که ترکیه روی رودخانه‌های دجله و فرات احداث کرده است و به اعتقاد برخی، این سدها در خشک‌سالی سوریه و عراق و ورود گرد و غبار به ایران نقش داشته‌اند (دهشیری و حکمت‌آرا، ۱۳۹۷: ۶۱۰). ترکیه نیز همچون افغانستان، بالادست هیدرولوژیکی ایران محسوب می‌شود و درعین حال که رودخانه مهمی از سمت ایران وارد ترکیه نمی‌شود، چندین رودخانه کوچک، همچون ساری سو و قطور، در سمت برعکس جریان دارد و حیات قسمت شمالی استان آذربایجان غربی به این رودخانه‌ها وابسته است. در سال ۱۹۵۷ قراردادی درباره حق آبه رودخانه ساری سو بین ایران و ترکیه منعقد و مقرر شد $\frac{1}{8}$ مترمکعب در ثانیه، سهم آب ایران از این رودخانه باشد (پاپلی‌یزدی و وثوقی، ۱۳۹۷: ۸۲). درباره دو رودخانه مهم دجله و فرات که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند، ایران توجه زیادی به وضعیت این رودخانه‌ها در داخل سوریه و عراق ندارد و دیپلماسی ایران معطوف به ارون‌درو است که از تلاقی این رودخانه‌ها ایجاد شده و مرز ایران و عراق را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه بیش‌ترین تعداد و حجم سدهای ساخته‌شده مربوط به ترکیه است، این کشور در دفاع از عملکرد خود به مدیریت ضعیف منابع آب در کشورهای پایین‌دست حوضه آبریز فرات-دجله (سوریه و عراق) اشاره کرده است که حجم عظیمی از آب‌های ورودی به این کشورها به دلیل مشکلات داخلی‌شان تلف می‌شود و این کشور با مهار آب‌های شیرین، هم جلوی هدر رفت آن‌ها و هم جلوی سیلاب‌های احتمالی را خواهد گرفت. ترکیه مدعی است هیچ‌انگیزه سیاسی از این سدسازی‌ها ندارد و هدفش توسعه بخش کمتر توسعه‌یافته جنوب شرق این کشور (مناطق کردنشین) است (ستاری، ۱۳۹۶: شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی). اگر ترکیه بخواهد مانع از ورود آب به عراق و سوریه شود و به‌نوعی اقتصاد و کشاورزی این کشورها را تحت تأثیر قرار دهد، (به این معنا که برای دولت‌های عراق و سوریه که از دوستان ایران به شمار می‌روند مشکل ایجاد کند) درواقع هرگونه ناکامی و تضعیف این کشورها و ایجاد بحران در این کشورها به منزله این است که ایران نیز تحت تأثیر این بحران‌ها قرار گرفته و تهدید شده است. همان‌طور که

هم‌اکنون در زمینه زیست‌محیطی مشکل ایجاد نموده و فشارهایی به مردم کشور ایران متأثر از سیاست‌های آبی ترکیه وارد می‌شود (ربیعی، ۱۳۹۴: موسسه آینده‌پژوهشی جهان اسلام).

با توجه به بروز ریزگردهای که به کشور ایران وارد می‌شود و خشک‌سالی در عراق باید به این مسئله توجه داشته باشیم که برای حل بسیاری از این مسائل دیپلماسی و همکاری‌ها هست که بحران را از منطقه دور می‌کند، در غیر این صورت اثرات یک موضوع فقط در حوزه داخلی یک کشور باقی نمی‌ماند، بلکه منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نیز می‌شود. بنابراین باید ایران و ترکیه با استفاده از دیپلماسی آب، بر سر حوضه‌های آبریز و رودخانه‌های مشترک به توافق برسند و تنها در جهت تأمین منافع خود نباشند در غیر این صورت با چالش‌های بسیاری مواجه خواهند شد. مخالفت‌های ایران و عراق با ساخت سد ایلی‌سو روی رود دجله از سوی ترکیه، راه به جایی نبرده است. سال ۹۶ درحالی‌که ۱۴ سال از نخستین زمزمه‌ها برای ساخت این سد می‌گذشت، ایران به جرگه مخالفان اجرای طرح پیوست، حتی رئیس‌جمهور وقت هم به اقدام ترکیه در توسعه سد ایلی‌سو اعتراض کرد، اما دیپلماسی آب آن‌قدر قوی نبود که راه به جایی ببرد و حالا با شروع آب‌گیری این سد که به دلیل اعتراض‌های عراق، یک سال دیرتر انجام شد، محیط‌زیست ایران یک گام به بحران نزدیک‌تر شده و پیش‌بینی‌ها مبنی بر نابودی هورالعظیم، تحمیل آسیب جدی به استان‌های جنوب غرب کشور به خصوص خوزستان و درنهایت فرضیه جنگ آب به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود. این وضعیت در حالی است که بر اساس معاهدات بین‌المللی هیچ کشوری نمی‌تواند به‌تنهایی از آب رودخانه‌هایی که حوضه مشترک دارند استفاده کند و آن را در انحصار خود بگیرد. درواقع باید گفت که با وجود اهمیت آب و خطرات زیست‌محیطی ناشی از حوضه‌های آبریز، دیپلماسی آب نتوانسته است در روابط ایران و ترکیه نقش فعالی داشته باشد.

چالش‌های پیش روی ایران و ترکیه

وجود حوضه‌های آبریز و آبخوان‌های مشترک بین‌المللی متعدد در دنیا سبب شده است که سامانه‌های آبی به یک مقوله سیاسی و امنیتی در دنیا تبدیل شوند. دخیل شدن ابعاد سیاسی و امنیتی

به مسائل آبی و محیط‌زیستی، چالش‌های متعدد اقلیمی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به همراه داشته است که می‌تواند بر روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورها اثر معناداری ایجاد کند (قریشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۳). میزان وابستگی به جریان‌های سطحی ورودی از آن‌سوی مرزها، یکی از شاخص‌های آسیب‌پذیری یک کشور در قبال کمبود آب است. این مسئله زمینه را برای افزایش تنش‌های منطقه‌ای بر سر نحوه استفاده از آب‌های مشترک به ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک که از هم‌اکنون با کمبود آب مواجه‌اند، بیش از پیش فراهم‌شده است (پارسا، ۱۳۹۱: ۲۷). حداقل ده رودخانه از شش کشور یا بیشتر می‌گذرد که این مسئله می‌تواند اسباب منازعه و همکاری را فراهم آورد. پاره‌ای از تحلیل‌گران بر این باورند که در عرض یک دهه آینده، آب به عنوان یک کالای کمیاب و گران‌قیمت به جای نفت در کانون رویارویی‌ها و آشتی‌ها قرار خواهد گرفت (مینایی، ۱۳۸۶: ۱۴۲). مسائل آبی برای غرب آسیا که جزء مناطق گرم و خشک جهان به شمار می‌آید از جمله مسائل مهم این منطقه به شمار می‌آید که در چند سال اخیر هم بر شدت و اهمیت آن افزوده شده است. در این راستا بسیاری پیش‌بینی کرده‌اند که جنگ‌های آبی غرب آسیا بر سر آب خواهد بود. اما در شرایط کنونی و در سایه وضعیت امنیتی منطقه غرب آسیا و مضافاً جنگ‌ها و تنش‌های متعدد ریزودرشت، مسئله آب علی‌رغم اهمیت آن به حاشیه رفته است. در نتیجه اگر شرایط غرب آسیا به حالت عادی بازگردد و جنگ‌ها و ناامنی‌ها فروکش کند، یقیناً اولویت مسائل منطقه به اهمیت و نقش آب در دیپلماسی و سیاست خارجی این کشورها بازمی‌گردد. البته اولویت لزوماً به معنای تخاصم و تنش بر سر آب نیست، بلکه به معنای رسیدن به سازوکار مناسب برای کاهش تخاصم بر سر مسئله آب و کاهش تهدیدات خشک‌سالی خواهد بود. اکنون پروژه‌های سدسازی ترکیه به نام گاپ و ۲۲ سدی که بر روی رودخانه‌های دجله و فرات احداث شده، سبب چالش آبی ترکیه با ایران، عراق و سوریه شده است. همه این رفتارها هم سبب شده تا مسئله آب در ترکیه از حالت داخلی به بعد حساسیت منطقه‌ای تغییر حالت یابد. خشک شدن مناطقی از سوریه و عراق و نیز برخی مناطق ایران و متعاقبش هم بر خاستن گرد و خاک که اکنون چند سال متوالی است کشور را درگیر خود کرده، سبب جدی‌تر شدن این چالش در چند سال اخیر شده است. این اختلاف

نه تنها به تهران آنکارا بلکه به بغداد آنکارا و دمشق آنکارا هم کشیده شده است (قهرمان پور، ۱۳۹۷: سایت دیپلماسی ایرانی).

با توجه به اثرات مستقیم و غیرمستقیم توسعه زیرساخت‌های کنترل منابع آب در منطقه، اگر این پدیده مورد توجه قرار نگیرد و به‌طور صحیح و اصولی مدیریت نشود، بذر دشمنی در آینده در کل منطقه توسط نسل کنونی پاشیده است و در آینده دور یا نزدیک شاهد پیامدهای منفی بسیار بیشتری اعم از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی ناشی از کمبود آب خواهیم بود و تبعات سیاسی گریبان هر چهار کشور حوضه رودخانه‌های دجله و فرات را خواهد گرفت. با توجه به پیش‌بینی‌های صورت گرفته تا سال ۲۰۴۵ تقاضای آب در منطقه حدود ۶۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد و این امر نشان‌دهنده این مسئله است که بحران آب در آینده قطعی است و مدیریت صحیح منابع آب در کل حوضه و به صورت یکپارچه اصلی‌ترین وظیفه کشورها و دولت‌ها در منطقه است (درویشی بلورانی، ۱۳۹۷: پایگاه خبری-تحلیلی انتخاب). برای بهره‌برداری بهینه و پایدار از منابع آب مشترک و حفظ محیط‌زیست ایجاد هماهنگی و روابط دیپلماتیک آب در سطوح مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی و فنی به ویژه در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای کاهش اثرات سوء ناشی از بهره‌برداری از رودخانه‌های مشترک اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین برای حل بحران‌های مرتبط با آب و کشاورزی از جمله گردو غبار در حوضه دجله و فرات تحلیل دیپلماسی‌های ممکن و انتخاب روش مناسب برای مذاکره و ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای ضروری است. دیپلماسی آب با رویکرد حفاظت از محیط‌زیست کل حوضه رودخانه‌های دجله و فرات می‌تواند نوعی ترکیب هنر مذاکره و مدیریت منابع آب باشد و آموزش آن به تصمیم‌سازان، مذاکره‌کنندگان و تصمیم‌گیران باید در اولویت فعالیت‌های علمی و آکادمیک قرار گیرد. در صورتی که راه‌حل‌های دیپلماتیک ایران با ترکیه به نتیجه نرسد، کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند اجلاس پاریس، تعهدات تغییرات اقلیمی، کنوانسیون مبارزه با بیان‌زایی از جمله مراجعی هستند که می‌توان از آن‌ها جهت جلوگیری از ادامه پروژه گاپ استفاده نمود (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲-۳).

نتیجه گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش دیپلماسی آب در روابط ایران و ترکیه انجام گردید. فرضیه پژوهش بر این اساس بود که با وجود اهمیت و پررنگ شدن نقش دیپلماسی آب به ویژه در خصوص حوضه‌های آبریز مشترک، به دلایلی همچون عدم وجود عنصر اعتماد، عدم همکاری و مذاکرات و مشارکت پایین بازیگران دولتی و غیردولتی، نتوانسته موجبات حل اختلافات آب ایران و ترکیه را فراهم آورد. عدم وجود ساختارهای مناسب مدیریتی در بهره‌برداری مشترک و حکمرانی آب‌های سطحی و زیرزمینی می‌تواند بهره‌برداری از این منابع را به عاملی برای ایجاد بحران و تنش بین کشورهای مشترک در حوضه آبریزها تبدیل نماید.

سدسازی‌های گسترده ترکیه به ویژه پروژه عظیم گاپ باعث بروز گرد و غبار در منطقه و گسترش دامنه این پدیده به ایران شده است که همین مسئله نیز نوعی خسارت در بهره‌برداری از منابع آب و مخالف نظریه‌های بهره‌برداری از آب‌های مشترک تلقی می‌شود. سدسازی‌های ترکیه بر روی رودخانه‌های دجله و فرات که به‌نوعی دو شریان حیاتی برای توسعه و تداوم حیات در کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و جنوب غرب ایران هستند، می‌تواند باعث به وجود آمدن اثرات مخرب زیست‌محیطی شود که خسارات جبران‌ناپذیری مانند خشک‌سالی و بروز ریزگردها از آثار آن است. این مسئله موجبات کاهش ذخیره آب تالاب هورالعظیم و آسیب به محیط‌زیست در منطقه جنوب غرب ایران شده است. بررسی روابط ایران و ترکیه در خصوص حوضه آب‌های مشترک نشان می‌دهد که دیپلماسی آب نتوانسته است در حل اختلافات موجود موفقیت‌آمیز باشد. بنابراین در جهت ارائه راه‌کارهایی برای آینده روابط ایران و ترکیه در خصوص آب‌های مشترک، پیشنهاد می‌گردد که در چارچوب دیپلماسی آب بین کشورها گفتگوها و مذاکراتی شکل گیرد و زمینه‌های توافق و کم‌تر کردن آسیب‌های موجود در این زمینه فراهم گردد. موضوع آب باید در یک نگاه کلان‌تر و نگرش جامع‌تر و فراتر از مرزهای سرزمینی، مورد توجه سیاستمداران و دستگاه دیپلماسی سیاست خارجی و نیز دیگر کشورهای منطقه قرار گرفته و به صورت جدی به عنوان بهانه‌ای برای افزایش همکاری‌ها مدنظر قرار گیرد. از این‌رو، لازم است که به منظور تأمین امنیت و رفاه مردم

منطقه، استراتژی‌های روابط بین‌الملل همه کشورهای منطقه نیز در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جهت افزایش همکاری‌های اقتصادی و بر مبنای قابلیت‌ها، ارزش‌ها و ویژگی‌های هیدروپلیتیکی و شاخص‌های تأمین انرژی و غذا و با محوریت توسعه اقتصادی پایدار و حفاظت از محیط‌زیست در منطقه و کشور بازطراحی و به جدیت پی‌ریزی و اقدام شود. در نتیجه بهتر است توافقی بین همه کشورهای واقع در حوضه آبریز فرات-دجله در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک صورت گیرد تا حیات زیست‌محیطی منطقه با خطر مواجه نشود.

منابع

الف) فارسی

- اسکندیان، مهدی (۱۳۸۴). ترکیه، چاپ اول، تهران: نشر ابرار معاصر.
- برشان، محمد؛ دهقانی‌دشتاب، رحیمه (۱۳۹۷). «دیپلماسی آب در ایران»، اولین همایش ملی قنات، میراث ماندگار و آب، اردکان، دانشگاه پیام نور اردکان،
https://www.civilica.com/Paper-QANAT01-QANAT01_048.html
- بیات، پرویز؛ صبوحی، محمود؛ کیخا، احمدعلی؛ احمدپور، محمود؛ کرمی، عزت اله (۱۳۹۴). «مفهوم نهاد آب و نگاهی به تجربه اصلاحات نهاد آب در سایر کشورها»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی کلان، دوره ۳، شماره ۱۱، پاییز، صفحات ۱۱۵-۱۳۸.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین؛ وثوقی، فاطمه (۱۳۹۷). «نگاهی به دیپلماسی آب ایران؛ هیدروژئوپلیتیک، چاپ دوم، تهران: انتشارات پاپلی.
- پارسا، بهزاد (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی دیپلماسی آب بر روابط ایران با کشورهای همسایه شرقی و غربی (هیدروپلیتیک رودخانه‌های مرزی)»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی، رشته روابط بین‌الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- پیری‌سارمانلو، اژدر (۱۳۹۷). «پروژه گاپ ترکیه؛ در دسر منطقه و منافع اسرائیل»، ۹ مرداد، انتشار یافته در مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.

- توحیدی، احمدرضا؛ کیخسروی، مهدی (۱۳۹۸). «خلاً معاهداتی: لزوم کنکاش در تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در فرایند سدسازی از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله علمی-پژوهشی حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۶، شماره ۶۱، پاییز و زمستان، صفحات ۳۸۵-۴۱۲.
- خداینه، بهمن (۱۳۹۸). «سدسازی ترکیه: دیپلماسی آب و اثربخشی توافقات»، ۱۹ شهریور، انتشاریافته در سایت ناظر اقتصاد.
- خوش‌سیما، امیر؛ محجوبی، عماد (۱۳۹۸). «دیپلماسی آب»، پانزدهمین همایش ملی آبیاری و کاهش تبخیر، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان
https://www.civilica.com/Paper-ABYARI15-ABYARI15_069.html
- درویشی بلورانی، علی (۱۳۹۷). «آیا باید نگران طوفان‌های گردوغبار حوضه‌های آبریز دجله و فرات باشیم؟ / ۲۲ سد ترکیه، چه بر سر ایران و عراق خواهد آورد؟»، ۱۷ آذر، انتشار یافته در پایگاه خبری-تحلیلی انتخاب، کد خبر: ۴۴۵۲۴۳، قابل دسترس در entekhab.ir/001rpL
- دهشیری، محمدرضا؛ حکمت‌آرا، حامد (۱۳۹۷). «دیپلماسی آب ایران در قبال همسایگان»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۶، شماره ۴، زمستان، صفحات ۵۹۶-۶۱۷.
- ربیعی، حسین (۱۳۹۴). «وضعیت هیدروپلیتیک ترکیه و استفاده از آب به مثابه ابزار»، ۳۱ فروردین، انتشاریافته در موسسه آینده‌پژوهشی جهان اسلام.
- ستاری، محمدتقی (۱۳۹۶). «بررسی اثرات منطقه‌ای پروژه‌های توسعه منابع آب ترکیه (مطالعه موردی پروژه گاپ و سد ایلی‌سو)»، ۱۲ شهریور، انتشاریافته در شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، کد خبر: ۱۱۰۰۳۷۶، قابل دسترس در <http://npps.ir/ArticlePreview.aspx?id=131941>
- عراقچی، سیدعباس (۱۳۹۳). «دیپلماسی آب: از منازعه تا همکاری»، مجله سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۴، زمستان، صفحات ۹۱-۱۱۹.
- عراقچی، سیدعباس (۱۳۹۶). «دیپلماسی آب در ساختار جدید وزارت امور خارجه، جایگاه ویژه و جدی‌تری خواهد داشت»، ۲۵ شهریور، خبرگزاری مجلس شورای اسلامی.

- عراقچی، سیدعباس (۱۳۹۷). دیپلماسی آب‌های فرامرزی و نظام بین‌المللی: درس‌هایی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. چاپ سوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- عصارى، مهتاب (۱۳۹۷). «پروژه گاب: آتشی زیرخاکستر (سدسازی‌های بی‌رویه در آناتولی ترکیه)»، معاونت فنی و حسابرسی امور عمومی و اجتماعی، حسابرسی زیست‌محیطی و توسعه پایدار.
- فیروزی، حسین؛ خاکی، شیلان؛ عباسی، همایون (۱۳۹۸). «حقوق بین‌الملل و دیپلماسی منطقه‌ای آب در خاورمیانه»، سومین کنفرانس ملی هیدرولوژی مناطق نیمه‌خشک با محوریت آب، انسان، طبیعت، سنندج، جهاد دانشگاهی کردستان، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سنندج،
https://www.civilica.com/Paper-KSAHC03-KSAHC03_061.html
- قریشی، سیده‌زهرا؛ میان‌آبادی، حجت؛ موسوی‌شفائی، سید مسعود (۱۳۹۸). «نقش قدرت در دیپلماسی آب»، مجله تحقیقات منابع آب ایران، دوره ۱۵، شماره ۲، تابستان، صفحات ۲۶۴-۲۴۲.
- قهرمان پور، رحمن (۱۳۹۷). «آیا بحران آب باعث تنش در روابط ایران و ترکیه خواهد شد؟»، ۱۱ فروردین، انتشار یافته در سایت دیپلماسی ایرانی.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۴). «مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۸، شماره ۲، تابستان، صفحات ۳۵-۵۲.
- کرمی، افشین؛ حسن‌زاده، جواد؛ پیشگامی‌فرد، زهرا (۱۳۹۵). «تأثیر هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۱، بهار، صفحات ۲۹-۵۱.

- کیانی، احسان (۱۳۹۷). «نقش رژیم صهیونیستی در سدسازی‌های ترکیه»، ۱۰ تیر، انتشار یافته در اندیشکده راهبردی تبیین، کد خبر: ۲۶۸۳۱، قابل دسترس در <http://tabyincenter.ir/26831>
- مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری (۱۳۹۷). «بررسی تأثیرات برنامه‌های تنظیم آب کشورهای همسایه در حوضه‌های مشترک مرزی بر ایران»، ویرایش یازدهم، کد شناسه: ۹۷۱۳۱۰۲۹.
- مهریزی، محسن (۱۳۹۶). «صلح جهانی و ضرورت دیپلماسی آب»، ۱۲ شهریور، انتشار یافته در موسسه مطالعات راهبردی اسلام معاصر.
- میرسنجری، میرمهرداد (۱۳۹۶). «هیدروپلیتیک ترکیه و بحران‌های محیط زیستی ایران و خاورمیانه»، ۱۰ اردیبهشت، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- مینایی، مهدی (۱۳۸۶). «آب، عاملی مؤثر در تعیین نقش و جایگاه ژئواکونومیک ایران در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و تحقیقات استراتژیک خاورمیانه، سال ۱۴ و ۱۵، شماره ۱ و ۴، صفحات ۱۳۸-۱۵۳.
- نقیعی، محسن (۱۳۹۴). «ایران مواجه با تعاملات پیچیده هیدروپلیتیکی منطقه: منازعه یا همکاری در دیپلماسی آب در خاورمیانه و آسیای مرکزی؟»، انتشار یافته در سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۹ آبان، کد خبر: ۱۹۵۳۶۳۵.
- نورانی، محمود (۱۳۹۶). «بحران آب و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه»، انتشار یافته در اندیشکده راهبردی تبیین، ۳ تیر، کد خبر: ۱۹۷۲۳، قابل دسترس در <http://tabyincenter.ir/19723>.

ب) انگلیسی

- Barua, Anamika (2018). Water diplomacy as an approach to regional cooperation in South Asia: A case from the Brahmaputra basin, Journal of Hydrology, Volume 567, December, Pages 60-70.

- C.W. Sadoff, D. Grey (2002). Beyond the river: the benefits of cooperation on international rivers, *Water Policy*, 4 (2002), pp. 389-403, 10.1016/S1366-7017(02)00035-1.
- Elhance, A.P. (1997), Conflict and cooperation over water in the Aral Sea basin, *studies in Conflict and Terrorism* 20(2), page 216-232.
- F. Hossain (2013). Water diplomacy: a negotiated approach to managing complex water networks, book review, *Eos*, 94 (1) (2013): pp 36-59.
- Haddadin, Munther J (2002). Water issues in the Middle East challenges and opportunities, *Water Policy*, Volume 4, Issue 3, Pages 205-222.
- Hommes, Lena. Boelens, Rutgerd. Maat, Harro (2016). Contested hydrosocial territories and disputed water governance: Struggles and competing claims over the Ilisu Dam development in southeastern Turkey, *Geoforum*, Volume 71, May, Pages 9-20.
- Huntjens, P., Lebel, L., Furze, B. (2015). The Effectiveness of Multi-Stakeholder Dialogues on Water Reflections on experiences in the Rhine, Mekong, and Ganga-Brahmaputra-Meghna river basins.
- Huntjens, P., Man de, R. 2017. Water Diplomacy: Making Water Cooperation Work. Policy Brief, (April), pp. 1–12. Available at: https://www.planetarysecurityinitiative.org/sites/default/files/2017-04/PB_Water_Diplomacy_WG_4.pdf.pagespeed.ce.dy4jVGe4NX.pdf.
- J.D. Petersen-Perlman, et al (2018). Transboundary unbound: redefining water conflict and cooperation for contemporary challenges that extend beyond regions, watersheds, and water, K. Conca, E. Weintal (Eds.), *Oxford Handbook of Water Politics and Policy*, Oxford University Press, Oxford (2018).
- K. Molnar, R. Cuppari, S. Schmeier, S. Demuth (2017). Preventing Conflicts, Fostering Cooperation-The Many Roles of Water Diplomacy, International Centre for Water Cooperation and Koblenz: International Centre for Water Resources and Global Change, Stockholm, page 1-20.
- Kehl, Jenny, R. (2011), Hydro political Complexes and Asymmetrical Power: Conflict, Cooperation and Governance of International River Systems, *Journal of World- Systems Research*, American Sociological Association, Volume 17, No I.
- Khavarian-Garmsir, Amir Reza. Pourahmad, Ahmad. Hataminejad, Hossein. Farhoodi, Rahmatollah (2019). Climate change and environmental degradation and the drivers of migration in the context of shrinking cities: A case study of Khuzestan province, Iran, *Sustainable Cities and Society*, Volume 47, May, Article 1-33.

- Klimes, Martina. Michel, David. Yaari, Elizabeth. Restiani, Phillia (2019). Water diplomacy: The intersect of science, policy and practice, *Journal of Hydrology*, Volume 575, August, Pages 1362-1370.
- L. Susskind, S. Islam (2012). Water diplomacy: creating value and building trust in transboundary water negotiations, *Sci. Diplomacy*, 1 (3) (2012).
- McCracken, Melissa. Meyer, Chloé (2018). Monitoring of transboundary water cooperation: Review of Sustainable Development Goal Indicator 6.5.2 methodology, *Journal of Hydrology*, Volume 563, August 2018, Pages 1-12.
- Munia et al., (2016). Water stress in global transboundary river basins: significance of upstream water use on downstream stress, *Environ. Res. Lett.*, 11 (014002) (2016).
- OECD (2012). *Environmental Outlook to 2050*, Organisation for Economic Cooperation and Development, Paris (2012).
- R.E. Namara, M. Giordano (2017). *Economic Rational for Cooperation in International Waters in Africa*, International Bank for Reconstruction and Development/The World Bank, Washington, DC (2017).
- S.M. Mitchell, N.A. Zawahri (2015). The effectiveness of treaty design in addressing water disputes, *J. Peace Res.*, 52 (2015), pp. 187-200,
- Salmoral, Gloria. Schaap, Nynke C. E. Walschebauer, Julia. Alhajaj, Areen (2019). Water diplomacy and nexus governance in a transboundary context: In the search for complementarities, *Science of The Total Environment*, Volume 690, 10 Novembe, Pages 85-96.
- Y. Wada, et al (2016). Modeling global water use for the 21st century: the water futures and solutions (WFaS) initiative and its approaches, *Geosci. Model Dev.*, 9 (175–222) (2016).

